به عبارت دیگران

چای در دو بعد از نیمه‌شب

گردآورنده: تقی دژاکام

و بالجمله زمستان که تمام شد، باز رفتیم سر کارهای خارجی، به همان نهجی که گذشت. باز زمستان دوم از صرف میر هم خواندیم تا بابِ قال. باز زمستان سِیُم دیدیم خوانده‌شده‌ها فراموش شده. یک‌دو ماهی به مراجعه آنها گذشت. بعد معلوم شد که آخوند هم بعد از بابِ قال را نمی‌داند. مع‌ذالک تا به عید چند باب دیگر عقل به عقل گذاشتیم با آخوند مثل دعی و رمی. آنها را هم خواندیم. عید که شد آزاد شدیم. تا یک ماهی علی‌الرسم به بازی و ورزش‌های معمولی، بعد از آن به کارهای مرسومی زراعت و باغ و نهال‌کاری و گوسفندچرانی مشغول بودیم و هرچه من بیشتر به کار می‌چسبیدم و کارِهای بزرگ را به انجام می‌رسانیدم، یکی آنکه ذاتاً شوق کار داشتم و دیگر آنکه پدرم دلگرم شود و مرا از مکتب معاف دارد. باز پدرم بیشتر مرا به امور شاقه وامی‌داشت و معلوم بود که از راه دوستی است که بچه باید از اول، رنجبر و زحمتکش بالا بیاید که به جایی و نوایی برسد و الا نازدانه در آخر تنبل و خوار و بی‌مقدار گردد.

پیرمردی که دهقان ما بود، ناخوش بستری شد. بزرگان می‌پرسیدند که چه شد سبب ناخوشی تو؟ گفت سببی ندارد الا آنکه شبی به کاهدان ارباب رفتم که کاه برای گاوها بردارم دیدم جن بدهیکلی دست‌های خود را به هم برمی‌زند و با هر دو دست اشاره به من می‌کند و می‌خندد. دندان‌های بدی هم داشت. من ترسیدم و ناخوش شدم.

پدر من در شب‌های دیگر، خودش در کاهدان می‌ایستاد به من می‌گفت: برو سبد را کاه کن بیار تا من به آخور گاوها بریزم. من هم آن حرف را که شنیده بودم به هزار ترس و لرز این کار را می‌کردم. و غرض او پُردل شدن من بود و الا خودش از اژدها هم نمی‌ترسید. و نیز یک روز ماه مبارک تابستان بود. ما روزه گرفتیم. ۱۲-۱۱ سال داشتیم که شب، خلعتی بگیریم. یک ساعت به غروب ماند و ما انتظار مغرب داریم، گفت: بیل را بردار برو به فلان بیابان، فردا آب ما است. استخر آنجا را ببند و از آنجا به فلان نقطه استخر آنجا را نیز ببند.

رفتم. ساعت ۲ از شب وارد منزل شدم. با آنکه چایی مرسوم نبود، دیدم برای ما چایی گذاشته و پشیمان شده از اینکه در آن وقت تنگ مرا فرستاده پی این کار.

در سر زمستان، باز گفت: برو به مکتب...

محمدحسن نجفی قوچانی
سیاحت شرق
[زندگینامه آقانجفی قوچانی]
ر.ع. شاکری - انتشارات امیرکبیر
صفحات ۲۷ تا ۲۹

***

نامه‌ای از رضاخان با ۱۹ غلط املایی!

«مغرب الخاقان صادق خان نایب انشاله احوال سلامتی شما خوبست مدتی است که از ترف شما حچ اطلاعی ندارم لازم بود که بجهه شما به‌نویسم و خودم را یادآوری میکنم که در وقت رفتن شما به این معموریت من به شما کاری رجوع کردم و تاکونون به حچ وجح از ترف شما اقدامی نشده است تعجب می‌کنم از شخس شما که اینقدر بی اتنای در کارهای من بکنید اگر شما موفق نه‌شدید لازم بود به‌نویسید از برای من که من نمی‌توانم به این کار برسم تا من یک خر دیکر روانه دارم به این کار خاتمه دهد. البته به محض رسیدن کاغذ فوری جواب بدهید و اجاره‌نامچه را هم به توست همان کاغز با پست روانه دارید تا یک نفر دیگر روانه کنم به این کار رسیده‌کی نماید. سرتیپ رضا».

رضا پهلوی/ روزنامه جوان
۶ آبان ۱۳۹۵ - صفحه ۹

***

برده‌داری تا یک قرن بعد از استقلال آمریکا!

تا دهه‌های متمادی پس از انقلاب‌های آمریکا و فرانسه، برده‌داری همچنان تداوم داشت و همان ملت‌هایی که این انقلاب‌ها را به سرانجام رسانیدند خود بی‌هیچ تغییری درگیر تجارت جهانی برده بودند. ممنوعیت برده‌داری به طور جدی تنها در اواخر سده نوزدهم میلادی رخ داد، و این در حالی است که در منشور مشروطیت انگلستان (۱۶۸۸)، اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۱۷۸۹)، برابری انسان‌ها اعلام شده بود. در دنیای غرب «انسان»، معنای خاص و محدودی داشت.

عبدالله شهبازی/ زرسالاران یهودی و پارسی
مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
جلد۱، صفحه ۲۳۴

***

ابراهیم یزدی: مشارکت همه گروه‌ها حرفی بی‌معنی است

ابراهیم یزدی با اشاره به اینکه انقلاب ایران، اسلامی است، ادامه داد: در اسلام ۲ جهان‌بینی بیشتر نداریم یا توحیدی یا شرک و کفر. یزدی ادامه داد: ما باید جامعه‌ای تأسیس کنیم که معیارهای توحیدی بر آن حاکم باشد. وی گفت: اینکه برخی می‌گویند در ساختن ایران باید همه گروه‌ها اعم از چپ و راست، مسلمان و غیرمسلمان شرکت کنند، حرفی بی‌معنی است.

سیدروح‌الله امین آبادی
ایران پس از انقلاب اسلامی
انتشارات خبرگزاری فارس
جلد ۱، صفحه ۱۶۰

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

پیامبر اعظم(ص):
کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

نگاهی به کارکردهای تکنولوژی AI در سینما و کارهایی که از آن برنمی‌آید

باهوش اما بی‌روح

میلاد جلیل‌زاده

مرعوب شدن در برابر فناوری‌های نو، به یکی از خصوصیات بخشی از جامعه ایرانی در چند دهه اخیر تبدیل شده است. این خصوصیت فقط یک حالت روانی در مواجهه با پدیده‌های جدید نیست، بلکه روی تصمیم‌گیری‌های کلان ما هم در بسیاری از اوقات تاثیر می‌گذارد. به عبارت ساده، هر گاه پای تکنولوژی جدیدی به ایران باز می‌شود که از جهتی می‌توان آن را بدیلی برای فناوری‌های قبلی دید، عده‌ای به این فکر می‌افتند که دوره فلان چیز تمام شد و از این پس دوره چیزی دیگر فرا رسیده است. مثلاً تلویزیون که می‌آید فکر می‌کنند عصر سینما به سر آمد یا وقتی اینترنت می‌آید، فکر می‌کنند دوره تلویزیون‌های پابلیک به سر آمده است.

آسیبی که ما معمولا از این مواضع شتاب‌زده دیده‌ایم، مربوط به دور شدن هیجان‌زده از ظرفیت‌های پیشین است. مثلاً در حالی که در پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا همچنان آمار مطالعه نسخه‌های کاغذی کتاب‌ها رو به افزایش است، در ایران عده‌ای به این فکر می‌افتند که دیگر عصر کتاب‌های دیجیتال شده و باید کاغذ را کنار گذاشت یا لااقل به‌شدت کمرنگ کرد و یا اینکه فکر می‌کنند وقتی کف دست هر شهروندی یک اسمارت‌فون قرار می‌گیرد که با آن از بام تا شام پلتفرم‌های تصویرمحور را مرور می‌کند، دیگر چه کسی سراغ رادیو یا هر محصول صوتی دیگری می‌رود. این قبیل تلقی‌ها باعث می‌شود ما بعضی جبهه‌های فرهنگی مهم را رها کنیم و ظرفیت آنها بلااستفاده بماند یا اینکه برای بهره‌برداری در اختیار دیگران قرار گیرند. حالا اما جدیدترین پدیده تکنولوژیکی که به میدان آمده و چنانکه می‌نماید از راه رسیده تا همه چیز را زیر و زبر کند، هوش مصنوعی است. سینما بارها دستخوش تحولاتی شد که زیر و زبرش کردند؛ ناطق شد، رنگی شد، دیجیتال شد و حالا هوش مصنوعی از راه رسیده است؛ اما آسیب مهمی که بیم آن می‌رود اوضاع سینمای ایران را متأثر کند، همان برخورد خوف‌زده و مرعوب در برابر این پدیده است. همان که می‌گوید چون کتاب دیجیتال آمده، دوره کتاب کاغذی به سر آمده یا فکر می‌کند چون اسمارت‌فون و تلویزیون‌های باکیفیت خانگی فراگیر شده‌اند، دوره مصرف محصولات صوتی یا دوره فیلم دیدن در سالن سینما به سر آمده است، می‌تواند در شکل شدت‌یافته‌اش باعث شود سنگرهای مهم و اصیل خالی بمانند و کسی کتاب عمیق و قطور ننویسد یا محصولات صوتی تولید نکند و کسی سالن مجهز سینما بنا نکند و هیچ فیلمسازی هم برای نمایش روی پرده بزرگ، فیلم نسازد. حالا که هوش مصنوعی از راه رسیده، با این توهم که چنین پدیده‌ای آمده تا جای خیلی چیزهای دیگر را بگیرد، ممکن است همان تفکر بتواند باعث شود خیلی چیزهای اصیل و خیلی از سنگرها رها شوند و خالی بمانند.

شاید به این دلیل ما در برابر پدیده‌های جدید تکنولوژیک معمولا بیش از حد مرعوب می‌شدیم که پدیدآورنده‌شان نبودیم و آن فناوری ناگاه وارد دنیای‌مان می‌شد اما این مورد آخر، یعنی هوش مصنوعی، به نظر می‌رسد رعب‌آورتر از این حرف‌هاست و حتی در خود ایالات متحده هم وحشتی جدی در میان صاحبان بسیاری از حرفه‌ها ایجاد کرده است. اعتصاب صنف نویسندگان و پس از آن بازیگران هالیوود را که در سال ۲۰۲۳ شروع شد، خیلی‌ها به یاد دارند. این اعتصاب‌ها عمدتاً به این دلیل انجام شد که اصحاب این اصناف از نفوذ و گسترش هوش مصنوعی ترسیده بودند و هراس داشتند که چنین چیزی جای‌شان را در صنعت فیلمسازی بگیرد. با توجه به اینها و وقتی خود سینماگران آمریکایی هم از جایگزینی‌شان با هوش مصنوعی ترسیده‌اند، آیا باید قضیه را جدی‌تر از اینها فرض کرد و چنین چیزی را پذیرفت که کار تمام است؟ قضیه به این سادگی‌ها نیست. نگرانی در بخشی از هالیوود وجود دارد که کاملا صنعتی و فرموله است و آدم‌هایی که در آن کار می‌کنند (مثلاً فیلمنامه می‌نویسند)، با کمترین درجه از خلاقیت کار می‌کنند و صرفاً به مثابه اپراتور نوشتاری، برای رعایت پروتکل‌های مشخص تجاری در حال فعالیت هستند. اینها طبیعتاً باید بترسند که هوش مصنوعی جای‌شان را بگیرد اما آیا دیده شده که در همان هالیوود، یکی از چهره‌های مولف و خلاق هم بابت اینکه شغل یا جایگاهش را با ورود هوش مصنوعی از دست بدهد، ابراز نگرانی کند؟ به عبارت ساده و سرراست، هوش مصنوعی حتی اگر شغل‌های زیادی را از بین ببرد، از آنجا که نمی‌تواند به حوزه خلاقیت ورود کند، صرفاً باعث خالص‌سازی سینما یا حوزه هر فعالیت هنری دیگری خواهد شد. برای درک بهتر این موضوع بهتر است به این فکر کنیم که در حوزه سینما از هوش مصنوعی چه نوع فعالیت‌هایی برنمی‌آید و این فناوری به چه حوزه‌هایی نمی‌تواند ورود کند. در نهایت اینجاست که مشخص می‌شود مرز واقعی سینما تا کجاست و تا کجای آن را صرفاً باید تکنیک دانست و هوش مصنوعی هم می‌تواند جای بعضی تکنیسین‌ها را در آن پر کند. هوش مصنوعی دارای یکسری محدودیت‌های بنیادین در سینما است. به دلیل همین محدودیت‌های بنیادین، هوش مصنوعی در سینما تنها می‌تواند دستیار فنی آدم‌های خلاق باشد و ذیل رهبری آنها فعالیت کند. در ادامه پس از اشاره به این محدودیت‌های بنیادین، نمونه‌هایی از عدم توانایی هوش مصنوعی در خلاقیت برشمرده شده است.

■ **محدودیت‌های بنیادین هوش مصنوعی در سینما**

۱- خلق معنا از تجربه زیسته: AI فاقد تجربه زیسته، حافظه عاطفی و درک موقعیت‌مند از جهان است. در نتیجه نمی‌تواند روایتی را بر اساس زیست‌جهان انسانی خلق کند یا لایه‌های معنایی را از دل تجربه‌های شخصی و فرهنگی استخراج کند. فیلم‌هایی که از رنج، عشق، مهاجرت، یا بحران‌های وجودی سخن می‌گویند، نیازمند درکی هستند که فراتر از داده و الگوست.

۲- درک زمینه‌های فرهنگی و تاریخی: هوش مصنوعی نمی‌تواند به‌طور کامل پیچیدگی‌های زمینه‌ای را درک کند؛ مثلاً تفاوت‌های ظریف میان نمادهای فرهنگی، کنایه‌های تاریخی، یا رمزگان اجتماعی خاص یک ملت. در نتیجه، روایت‌هایی که بر بستر فرهنگ بومی یا حافظه تاریخی شکل می‌گیرند، در دست AI به سطحی‌نگری یا سوءتعبیر دچار می‌شوند.

۳- قضاوت زیبایی‌شناختی و انتخاب‌های خلاقانه: AI می‌تواند پیشنهادهایی بر اساس الگوهای موفق ارائه دهد اما فاقد «ذوق» است. انتخاب قاب، نور، ریتم تدوین، یا حتی سکوت در یک صحنه، اغلب حاصل شهود هنرمندانه و قضاوت زیبایی‌شناختی است؛ امری که از جنس محاسبه نیست. الگوریتم‌ها نمی‌توانند «حس» یک لحظه را درک یا بازآفرینی کنند.

۴- نوآوری فرمی و شکستن قواعد: خلاقیت انسانی اغلب در شکستن قواعد، عبور از کلیشه‌ها و خلق فرم‌های تازه تجلی می‌یابد. هوش مصنوعی اساساً بر بازترکیب داده‌های موجود، شناسایی الگوها و تولید خروجی‌های آماری استوار است اما خلاقیت هنری، بویژه در سینما، اغلب در شکستن الگوها، خلق فرم‌های بی‌سابقه و بیان تجربه‌های زیسته‌ای شکل می‌گیرد که هیچ داده‌ای آن را پیش‌بینی نکرده است. لحظه‌ای که مخاطب را شوکه می‌کند، معمولاً از دل شهود، ریسک و جسارت هنرمندانه زاده می‌شود، نه از محاسبه. نوآوری‌هایی چون موج نو، سینمای تجربی یا روایت‌های غیرخطی، از دل شهود و جسارت انسانی زاده می‌شوند.

۵- اخلاق روایت و مسؤولیت انسانی: AI نمی‌تواند مسؤولیت اخلاقی روایت را بر عهده بگیرد. انتخاب اینکه چه چیزی گفته شود، چگونه بازنمایی شود و چه پیامدهایی داشته باشد، نیازمند قضاوت انسانی، حساسیت اجتماعی و مسؤولیت فرهنگی است. در غیاب این مؤلفه‌ها، روایت‌های تولیدشده توسط AI ممکن است به بازتولید کلیشه، حذف اقلیت‌ها یا بی‌تفاوتی نسبت به رنج انسانی منجر شوند.

۶- تعامل انسانی در فرآیند تولید: سینما هنر جمعی است. تعامل میان کارگردان، بازیگر، فیلمبردار، تدوینگر و دیگر عوامل، بستری برای خلاقیت مشترک فراهم می‌کند. هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین این دیالوگ زنده، چالش‌های خلاقانه و لحظات شهودی در صحنه شود.

۷- تضعیف خلاقیت انسانی: اتکای بیش از حد به الگوریتم‌ها ممکن است منجر به یکنواختی روایی و کاهش نوآوری شود. این موضوع را می‌توان تحت عنوان «خطر جایگزینی فرآیندهای خلاقانه با تولید ماشینی» هم صورت‌بندی کرد.

۸- سوگیری الگوریتمی: داده‌های آموزشی ممکن است حامل سوگیری‌های فرهنگی، جنسیتی یا نژادی باشند که در خروجی‌های AI بازتولید می‌شوند. بر خلاف آنچه تصور می‌شود، هوش مصنوعی کاملا فاقد سوگیری نیست و ذهنیت طراحان اولیه‌اش در آن تاثیراتی گذاشته است که تاکنون مورد بحث‌های فراوانی قرار گرفته است.

۹- ابهام در مالکیت معنوی: تولید محتوا توسط ماشین، پرسش‌هایی درباره حقوق مؤلف، مالکیت اثر و مسؤولیت قانونی ایجاد می‌کند.

۱۰- AI فاقد نیت، شهود و انگیزه بیان است: خلاقیت هنری نه‌تنها محصول مهارت، بلکه تجلی یک «خواست بیان» است؛ بیان چیزی که پیش‌تر گفته نشده یا گفته شده اما به نحو دیگری. هوش مصنوعی فاقد نیت، دغدغه، یا شهود است؛ نمی‌تواند تصمیم بگیرد چه چیزی باید گفته شود، چرا باید گفته شود و چگونه باید گفته شود تا اثرگذار باشد.

۱۱- غافلگیری هنری از دل تضاد و پارادوکس می‌آید، نه از منطق آماری: فیلم‌هایی که ما را شوکه می‌کنند، معمولاً با ساختارهای متعارف بازی می‌کنند، انتظارات را زیر پا می‌گذارند و از دل تضادهای انسانی معنا می‌سازند. الگوریتم‌ها، به دلیل گرایش به میانگین‌گیری و هموارسازی، از خلق چنین پارادوکس‌هایی ناتوانند. آنها می‌توانند «متعارف» بسازند اما «شگفت‌انگیز» نه.

■ **صحنه‌هایی که هوش مصنوعی تا ابد نمی‌تواند پیشنهاد بدهد**

در ادامه به چند سکانس، صحنه یا حتی پلان اشاره می‌شود که هوش مصنوعی به طور ذاتی در خلق آنها ناتوان است. این ناتوانی به آن معنا نیست که در آینده با پیشرفت تکنولوژی ممکن است توانایی آن در سیستم‌های الگوریتمی ایجاد شود. به عبارتی هوش مصنوعی ممکن است بتواند نسبت به انسان‌ها در بسیاری از موارد دقیق‌تر و سریع‌تر هم بشود اما بعضی کارها هستند که تا ابد برای آن ناممکن باقی می‌مانند و این به ذات الگوریتمی بودن آن برمی‌گردد. هر مخاطبی که این نوشته را می‌خواند احتمالاً خواهد توانست به چنین فهرستی ده‌ها مورد دیگر هم که خودش تجربه مواجهه با آنها را داشته اضافه کند. به‌علاوه اگر از سینما بیرون برویم و سایر حوزه‌های هنری را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید هوش مصنوعی اگرچه ممکن است بتواند بر اساس الگوی شاهنامه ابیاتی را تقلید کند اما هیچگاه به این ایده نمی‌رسد که در آن دوره تاریخی چنین چیزی را پدیدار کند، همان‌طور که درباره سایر آثار سترگ ادبی هم نخواهد توانست. هوش مصنوعی همچنین نمی‌تواند یک ملودی بسازد که برای نخستین بار حال و هوای تازه‌ای خلق می‌کند و در سایر شاخه‌های هنری هم چنین است.

- چهارصد ضربه (the 400 blows) ۱۹۵۹

صحنه پایانی این فیلم، با نمایی طولانی از دویدن آنتوان و فریز شدن تصویر روی چهره او، نه‌تنها ساختارشکن است، بلکه حامل نوعی ابهام وجودی است که هیچ الگوریتمی نمی‌تواند آن را طراحی کند. این لحظه، همزمان پایان و آغاز است؛ هم فرار و هم مواجهه. AI ممکن است چنین ساختاری را تقلید کند اما نمی‌تواند تصمیم بگیرد «در این لحظه خاص، سکون بهتر از حرکت است».

- حافظه (Memento) ۲۰۰۰

روایت غیرخطی و معکوس این فیلم، نه از دل پیچیدگی صرف، بلکه از درک روان‌شناختی اختلال حافظه و تجربه انسانی از زمان زاده شده است. هوش مصنوعی می‌تواند ساختارهای غیرخطی بسازد اما نمی‌تواند بفهمد چرا چنین ساختاری برای این شخصیت خاص، در این موقعیت خاص، ضروری و اثرگذار است.

- طعم گیلاس (عباس کیارستمی، ۱۹۹۷)

پایان‌بندی این فیلم، با عبور از مرزهای روایت کلاسیک و ورود به پشت صحنه فیلمبرداری، مخاطب را به تأملی فلسفی درباره مرگ، واقعیت و ساختگی بودن دعوت می‌کند. این تصمیم نه‌تنها ساختاری، بلکه هستی‌شناختی است. AI نمی‌تواند چنین مرزهایی را بشکند، چون خود درون همان مرزها تعریف شده است.

- نیویورک، جزء به کل (Synecdoche, New York) ۲۰۰۸

در این فیلم، شخصیت اصلی شهری را درون یک انبار بازسازی می‌کند تا زندگی‌اش را بازنمایی کند و در نهایت درون همان بازنمایی گم می‌شود. این پیچیدگی متافیزیکی، از دل اضطراب انسانی، ترس از فراموشی و میل به جاودانگی زاده شده است، نه از تحلیل داده‌های روایی.

ایران در پیچ انرژی‌های نو

نگاه

ادامه از صفحه اول

تلاقی این ۲ روند موازی، پیامی حیاتی برای بازار نفت و گاز دارد مبنی بر اینکه انتظار می‌رود مازاد عرضه چشمگیری از نفت و گاز مایع (LNG) در نیمه دوم دهه ۲۰۲۰ رخ دهد. این وضعیت بازاری اشباع‌شده و بشدت رقابتی را پدید می‌آورد که در آن قدرت چانه‌زنی از تولیدکنندگان به سمت مصرف‌کنندگان تغییر می‌کند.

برای ایران، به عنوان یک تولیدکننده نسبتاً پرهزینه، این تهدیدی جدی است که ناچار به ارائه تخفیف‌های سنگین‌تر خواهد شد و درآمدهای ارزی کشور را تحت فشار قرار می‌دهد. بقا در این بازار در گرو تبدیل شدن به یک تولیدکننده کم‌هزینه و کارآمد است.

■ **بازآفرینی صنعت نفت و گاز به مثابه نقطه عطف انرژی ملی**

تحلیل وضعیت صنعت نفت و گاز ایران نشان می‌دهد چالش‌هایی چون نیاز مبرم به جذب سرمایه کلان، سلطه شرکت‌های «خصولتی» و ناکارآمدی مدل‌های قراردادی، تداوم مسیر کنونی را به رکود می‌کشاند. راهبرد محوری باید بر توانمندسازی بخش خصوصی حقیقی و بازآرایی ساختار قراردادها برای افزایش کارایی متمرکز شود.

آینده این صنعت، مستلزم برخورداری از سبدی از مدل‌های قراردادی منعطف است که متناسب با نوع میدان، ریسک و حجم سرمایه‌گذاری، گزینه‌های متفاوتی را ارائه کند.

برای خروج از چالش‌ها، ۳ محور عملیاتی کلیدی پیشنهاد می‌شود؛ نخست، برای میادین بزرگ و مشترک، طراحی و اجرای مدل قراردادی جذاب‌تری مانند «IPC اصلاح‌شده» یا «مشارکت در تولید» جهت جذب شرکت‌های بین‌المللی و فناوری‌های پیشرفته. دوم، برای میادین فعلی، تعریف قراردادهای خدماتی تخصصی برای شرکت‌های خبره در ازدیاد برداشت (EOR) با پاداش‌های تشویقی مرتبط با موفقیت. سوم، واگذاری توسعه میادین کوچک به بخش خصوصی داخلی با چارچوب قراردادی نوین، ساده و جذاب با عنوان «قرارداد توسعه میادین کوچک». این مدل باید شامل فرآیند واگذاری سریع، اختیارات عملیاتی کامل، نرخ بازگشت سرمایه بالا، بازپرداخت سریع هزینه‌ها (۲-۳ سال)، تضمین خرید محصول توسط شرکت ملی نفت و معافیت‌های مالیاتی باشد. موفقیت این نقشه راه تنها در گرو ثبات مقررات، شفافیت قضایی و امنیت سرمایه‌گذاری است.

دولت باید از جایگاه رقیب به یک تنظیم‌کننده هوشمند و تسهیلگر تغییر کند. تحقق چنین چشم‌اندازی مستلزم اراده‌ای قاطع سیاسی برای فراتر رفتن از منافع کوتاه‌مدت گروه‌های خاص و ترجیح دادن منافع ملی بلندمدت است. این اصلاحات نه صرفا تغییرات فنی، بلکه یک بازنگری استراتژیک عمیق برای حرکت به سمت اکوسیستمی پویا، رقابتی و فناوری‌محور است.

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz